یادداشت

حمیدرضا شاه‌نظری

فحاشی برای براندازی

یکی از ویژگی‌های اغتشاشات اخیر، استفاده گسترده اغتشاشگران از فحاشی در فضای میدانی و مجازی علیه مسئولان نظام و حامیان انقلاب اسلامی بود که هم به صورت کلامی و هم به صورت نمادین انجام می‌شد. این وضعیت در هیچ دوره‌ای و در هیچ غائله یا شورشی در ایران سابقه نداشت و به قدری باشدت صورت می‌گرفت که به هیچ وجه نمی‌توان آن را یک پدیده طبیعی به حساب آورد.

متأسفانه سال‌هاست که با گسترش رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اجتماعی، فحاشی و بدزبانی به عنوان یک پدیده مذموم در بخش‌هایی از جامعه گسترش داشته است. این روزها دشنام‌گویی و بدزبانی تنها منحصر به افراد فحاش و اراذل و اوباش نیست، بلکه این پدیده زشت تا حدی هرچند کم در تعاملات اجتماعی میان برخی اقشار جامعه رخنه کرده است.

فحاشی و ناسزاگویی، استفاده از کلمات و الفاظ زشت به منظور تحقیر کردن و پست شمردن طرف مقابل است که راجع به دلایل و علل روانشناختی و جامعه شناختی رواج آن بسیار می‌توان سخن گفت ولی آنچه در جریان اغتشاشات اخیر رخ داد استفاده گسترده، غیرمعمول و بسیار شدید از زشت‌ترین نوع فحش‌ها عمدتاً شامل فحش‌های جنسی بود که به بدترین و شنیع‌ترین شکل آن توسط آشوبگران و حتی در میان برخی دانشجویان دانشگاه‌های تراز اولی چون دانشگاه صنعتی شریف مشاهده گردید که بسیار حیرت‌آور بود. ولی آیا این رویکرد، یک کنش طبیعی و یا یک رفتار هیجانی ناشی از احساس وجود تبعیض و ظلم توسط کسانی بود که در صحنه اغتشاش حضور داشتند؟

شواهد نشان می‌دهد که این رفتار آشوبگران به مانند بسیاری از اقدامات آنان، در قالب رفتاری طراحی شده و به صورت کاملاً هدفمند انجام می‌گرفت و مقاصد متعددی در پس آن نهفته بود. رصد شبکه‌های اجتماعی از سال‌ها قبل نشان می‌داد که اکانت‌های لیدری که به عناوین مختلف و با تابلوهای متنوع تحت ادعای عنوان براندازی در حال فعالیت هستند به مرور خط رواج و فراگیری فحاشی‌های بسیار شنیع و دور از اخلاق انسانی را در پیش گرفته بودند و روز به روز به دامنه آن می‌افزودند. با آغاز اغتشاشات اخیر این رویکرد به مثابه یک راهبرد برای تشدید فضای التهاب در جامعه به شدت دنبال شد و ابعاد جدیدی به خود گرفت. برای ارائه توجیه اخلاقی و به منظور شدت بخشیدن به آن نیز در سطح شبکه‌های اجتماعی و فضای میدانی، این فحاشی‌ها به صورت همنشین با اخبار دروغ کشته‌سازی، اتهام‌زنی به مسئولان و مظلوم‌نمایی از اغتشاشگران انجام می‌شد.

سؤالی که مطرح می‌شود این است که در حالی که فحاشی و بددهنی در میان همه ملل جهان مذموم و ناپسند بوده و علاوه بر زشتی و قباحت آن در آیین مردم ایران، در تاریخ این سرزمین و در ادبیات این کشور بسیار زشت شمرده شده و ادبیات ملی ایرانی‌ها مملو از اخلاق‌مداری، احترام به دیگران و توصیه به آن بوده و در نتیجه آن، ادبیات فارسی به عنوان ادبیات ملی ایران در قله ادبیات جهان ایستاده، چرا این حجم از بددهنی، فحاشی و توهین بر زبان اغتشاشگران از لیدرهای آنان تا فریب‌خوردگان میدانی جاری شده و حتی دانشجویان هوادار اغتشاشات که قاعدتاً باید نماد ادب، متانت، رفتار سنجیده و اخلاقی باشند نیز در بدترین حالت اقدام به انجام آن به صورت زبانی و فیزیکی نمودند؟!

جواب این سؤال در اهدافی است که توسط طراحان و رواج‌دهندگان این اقدام، در نظر گرفته شده است. حجم عظیم سرمایه‌گذاری دشمن در این اغتشاشات و حمایت وسیع رسانه‌ای و سیاسی و مالی آنان طبیعتاً برای نابودی انسجام اجتماعی ایران و فروپاشی اجتماعی-سیاسی این کشور صورت گرفت و فحاشی یکی از بهترین ابزارهایی است که می‌تواند سبب ایجاد کینه، وادارسازی طرف مقابل به مقابله و دامن زدن به تشتت و انشقاق در جامعه خواهد شد. در یک اختلاف اجتماعی، وقتی دو برادر یا دو دوست در دو سوی ماجرا قرار بگیرند ولی بتوانند با یکدیگر با زبان خوش و ادبیات محترمانه سخن بگویند بسیاری از مشکلات قابل حل خواهد بود ولی وقتی این دو به هم بدترین توهین‌ها و فحاشی‌ها را نثار کنند طبیعتاً شکاف‌ها بیشتر شده و جامعه به سمت خشونت بیشتر کشیده خواهد شد. از طرفی فحاشی افراطی و مداوم به دیگران توسط عده‌ای سبب ایجاد نوعی نفرت کور و تشدید کینه نسبت به یکدیگر خواهد شد و به خشونت دامن خواهد زد.

یکی دیگر از اهداف استفاده از فحاشی شدید به مثابه یک ابزار توسط اغتشاشگران، ایجاد مارپیچ سکوت و جلوگیری از اقدام به روشنگری توسط نخبگان و حتی عموم مردم بود که تا حدی در جریان این اغتشاشات مؤثر واقع افتاد و مارپیچ سکوت ایجاد کرد. در موارد متعدد وقتی یک چهره شناخته شده و یا حتی کمتر شناخته شده سخنی یا محتوایی خلاف دیدگاه اغتشاشگران منتشر نمود با هجوم سازماندهی شده‌ای مواجه شد که نه برای نقد او بلکه برای فحاشی به او و خانواده‌اش و کشیدن خط و نشان تهدیدآمیز انجام می‌گرفت!

از طرفی فحاشی به مسئولان و هجمه روانی و رسانه‌ای گسترده نسبت به آنان و خانواده‌هایشان، هدف ایجاد بی‌عملی و انفعال آنان در برابر اغتشاشگران را نیز دنبال می‌کرد که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی اخیرشان به آن اشاره نمودند. در حالی که فحاشی به صورت عمومی از منظر حقوقی، جرم محسوب شده و مجازات در پی دارد و فحاشی به مسئولان از نظر قانون، جرم‌انگاری شده و مجازات روشن در پی دارد با این حال در برابر فحاشی‌ها و توهین‌های صورت گرفته علیه مسئولان، هیچ اقدام قضایی خاصی انجام نگرفت بلکه با نهایت مدارا در قبال آن، ماهیت اغتشاشات و اغتشاشگران برای مردم روشن شد.

آشوب‌گران نه تنها فاقد هرگونه نظریه و برنامه روشن یا دورنمای ترسیم‌شده برای بهبود وضعیت جامعه بودند بلکه ادبیات آنان مملو از فحاشی و عبارات سخیف و بدترین نوع دشنام‌ها و تهدیدها علیه همه دیگرانی بود که مانند آنها فکر نمی‌کنند و یکی از مخاطراتی که این پدیده، جامعه ایران را تهدید می‌کند تبدیل این منش و این روش به یک خرده‌فرهنگ ویرانگر است که به دنبال توسعه کینه، خشونت و چندقطبی ویرانگر در جامعه ایران است.

خبر آخر

جواد لاریجانی:

جسد برجام اگر دفن می‌شد اینگونه بو نمی‌داد

یک تحلیلگر مسائل سیاسی با بیان اینکه برجام سند فضاحت جبهه اصلاحات است، گفت: استراتژی دولت فعلی برای اینکه کارمان را بدون برجام ادامه دهیم استراتژی خوبی است.

محمدجواد لاریجانی در گفت‌وگو با فارس، درباره آینده برجام گفت: جسد برجام متأسفانه دفن نشده و بو می‌دهد و اگر دفنش می‌کردند بو نمی‌داد! برجام یک کجراه است و ما نباید به این کجراه دل ببندیم و نباید به آن دلبستگی صورت گیرد. وی تأکید کرد: ما امروز بهای برجام را پرداختیم و باید تلاش کنیم که کالای آن را دریافت کنیم و کالای برجام هم برای ما این است که تحریم‌ها باید برداشته شود و طرف مقابل حتی باید به خاطر تاخیر در اجرای تعهداتش خسارت هم پرداخت کند، بنابراین استراتژی ما باید این موضوع باشد که الان وجود ندارد. این تحلیلگر مسائل سیاسی یادآور شد: در انتخابات آینده کسانی که از جناح اصلاح‌طلب می‌خواهند وارد میدان شوند احتمالاً می‌خواهند بگویند که شما بهترین فرصت‌ها را از دست دادید و اگر ما بودیم برجام را فلان می‌کردیم و بهمان می‌کردیم! ولی برجام سند فضاحت جبهه اصلاحات است.

گزارش

همزمان با تحریم‌ها و تهدیدهای جدید اروپا علیه ایران که برای امتیازگیری در مذاکرات آتی انجام می‌شود اصلاح‌طلبان همین تفکر را در داخل کشور نمایندگی می‌کنند

«نمایندگان» برنامه غربی‌ها در ایران!

ادامه از صفحه یک

علیه ایران یا خودزنی اروپا

اروپای درمانده از بحران اوکراین و درمانده‌تر از تزریق ناآرامی و ناامنی به درون مرزهای جمهوری اسلامی ایران، این روزها سرگرم بررسی طرحی است که در صورت تصویب آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار خواهد داد. این طرح که بسیاری از صاحبنظران سیاسی از آن به عنوان کمربندی انتحاری اروپا یاد می‌کنند، اگرچه در صورت تصویب به دلایل حقوقی و فنی «الزام‌آور نیست» و جنبه «نمایشی» دارد، اما اگر مقامات اروپایی از عقلانیت در تصمیم خارج شوند و آن را فعال کنند، بدون تردید اروپا اولین قربانی تبعات ناشی از آن خواهد بود.

نکته طنز ماجرا آنجاست که این طرح با لابی منافقین به عنوان یکی از شناخته شده‌ترین تروریست‌های دولتی که دستان آنها به خون بیش از ۱۷ هزار شهروند ایرانی آلوده است و اکنون دولت‌های اروپایی از آنها میزبانی می‌کنند، در دستور کار پارلمان اروپا قرار گرفته است. منافقینی که در حوادث پاییز امسال با همدستی دیگر گروهک‌های ضدانقلاب و البته حمایت و پشتیبانی رسانه‌ای و اطلاعاتی دولت‌های اروپایی کوشیدند، با تزریق اغتشاش و ناآرامی به درون مرزهای جمهوری اسلامی به زعم خود براندازی را رقم بزنند، اما با هوشیاری ملت ایران، محاسبات آنها بازهم به خطا رفت و شکست خوردند.

طرح خودزنی پارلمان اروپا البته هنوز به تصویب نهایی نرسیده و باید تا روز دوشنبه جاری منتظر ماند. اما انتظار می‌رود در دو روز باقی مانده، اتحادیه اروپا آن‌قدر دوراندیش و هوشمند باشد که وارد بازی خطرناکی که گروهی جنگ طلب و معاند که برای آنها آغاز کرده‌اند، نشود و خود را از زمین خطرناک مین‌گذاری شده، دور نگه دارد.

باج بدهید تا رستگار شوید!

این البته پایان ماجرا نیست. برخی گروه‌های داخلی همسو با غرب هم هستند که در بزنگاه‌های مختلف با توصیه به انفعال و باج دادن به غرب، راه میرزا ملکم خان‌ها و تقی‌زاده را دنبال می‌کنند. نشانه‌های این انفعال را می‌توان در مواضع مدعیان جریان اصلاح طلبی در فردای اغتشاشات مشاهده کرد.

چندی پیش «ند پرایس» سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا در گفت‌وگو با روزنامه «اسرائیل هیوم» اعلام کرد که دولت جو بایدن چندین روش ارتباطی غیررسمی با ایران را برای طرح مسائل متعدد بین دو کشور حفظ کرده است. این دیپلمات امریکایی مسئله بازگشت دولت بایدن به توافق هسته‌ای را رد و عنوان کرد که کماکان احیای برجام با ایران در دستور کار واشنگتن نیست. همین اظهارات بهانه‌ای بود تا بار دیگر جریان غرب باور داخلی، برجام و FATF را با محوریت تحت فشار قرار دادن دولت سیزدهم به صدر رسانه‌ها بازگردانند. هفته نامه (صدا) متعلق به طیف رادیکال جریان اصلاحات در گزارشی با اشاره به توقف مذاکرات احیای برجام، چشم‌انداز آینده کشور را بسیار تیره و تار ترسیم کرده و با طرح این ادعا که سیاست خارجی دولت سیزدهم موجب منزوی شدن جمهوری اسلامی ایران در منطقه و بین الملل شده آورده است، شانس طلایی ایران برای بازگشت به برجام و احیای روابط با کشورهای دنیا که می‌توانست به سیاست‌های خصمانه امریکا علیه ایران پایان دهد، با روی کار آمدن دولت رئیسی از بین رفت.

محمود واعظی رئیس دفتر روحانی نیز ۲۵ دی در گفت‌وگویی با تأکید بر لزوم تصویب FATF گفت: همواره سیاست ما بر این بوده که باید موانع بر سر راه روابط خارجی و روابط اقتصاد خارجی برطرف شوند یکی از این موانع FATF است. مهدی مطهری نیا هم در روزنامه مردم سالاری ۲۱ دی ماه وجود گفتمان انقلابی را مانع توافق در برجام خوانده و می‌نویسد: اکنون در ایران دولتی انقلابی روی کار است که نمی‌تواند با امریکا توافق کند.

رسانه‌ها و فعالان اصلاح طلب در حالی رویکرد دولت سیزدهم و حاکمیت را موجب توقف مذاکره احیای برجام عنوان می‌کنند که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، امریکایی‌ها چندان مایل نیستند به برجام بازگردند و برای بازنگشتن به برجام هر بار بهانه‌ای می‌آورند، یک بار می‌گویند روسیه مانع احیای برجام است، بار دیگر ایران را مانع معرفی می‌کنند، اخیراً نیز ادعا کردند اعتراضات داخلی ایران و نقض حقوق بشر مانع توافق شده است! بر این اساس، امریکایی‌ها در پی استمرار سیاست بلاتکلیفی در قبال برجام هستند. امریکا برجام‌های دیگری هم می‌خواهد از جمله برجام پلاس و برجام ۲ یا برجام ۳ و ۴.

واکنش‌های داخلی به طرح اروپا

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور روز پنج‌شنبه در جلسه فوق‌العاده هیئت دولت که به منظور بررسی لایحه تشکیل سازمان بازرگانی تشکیل شد، در واکنش به اقدام اخیر پارلمان اروپا در قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا و گسترش تحریم‌ها علیه کشورمان گفت: این حرکت از روی استیصال و پس از تلاش‌های ناموفق خیابانی آنها برای ضربه به مردم ایران انجام شد تا بلکه به خیال خود بتوانند ملت ایران را متوقف کنند.

محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی هم طی سخنانی در یادواره شهدای بندرانزلی با بیان اینکه دستگاه محاسباتی اروپایی‌ها این نوبت هم اشتباه کردند گفت: در صورت قرار گرفتن سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی قطعاً مقابله به‌مثل کرده و به شیوه کاملاً متفاوت در منطقه با اروپایی‌ها برخورد می‌کنیم. رئیس مجلس افزود: من هشدار می‌دهم در صورت نهایی شدن این تصمیم در اروپا، مجلس ایران قطعاً مقابله به‌مثل می‌کند و این کاملاً منطقی است که ما دولت‌های اروپایی را حامی تروریسم و ارتش‌های آنها را در گروه تروریستی در نظر بگیریم و به شیوه کاملاً متفاوت با آنها در منطقه برخورد کنیم. رئیس قوه مقننه تأکید کرد: امیدواریم اروپایی‌ها بتوانند عاقلانه تصمیم گرفته و خود را از سلطه پنهان استکبار جهانی یعنی امریکا و رژیم صهیونیستی خلاص کنند، در غیر این صورت هزینه آن را تمام و کمال پرداخت خواهند کرد.

طرح مقابله‌ای مجلس

با این حال احمد نادری عضو هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی از به جریان افتادن طرح اصلاح قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه به عنوان سازمان تروریستی توسط امریکا در مجلس خبر داد. بر اساس این طرح؛ ماده زیر به عنوان ماده الحاقی به «قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان سازمان تروریستی توسط ایالات متحده امریکا» مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۹۸ افزوده می‌شود. «کلیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا که مبادرت به اعلام نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان سازمان تروریستی نمایند، کلیه نیروهای نظامی وابسته به کشورهای عضو اتحادیه و سازمان‌ها و نهادهای تحت اختیار این نیروها مشمول این قانون خواهند بود.»

بیانیه ستاد کل نیروهای مسلح

ستاد کل نیروهای مسلح نیز روز پنج‌شنبه در بیانیه‌ای اقدام مذبوحانه پارلمان اروپا در قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست آنچه را که «سازمان‌های تروریستی» نامیده است قویاً محکوم و نسبت به عواقب آن هشدار داد.

در بخشی از این بیانیه، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان نهاد و مجموعه مقتدر و مردمی توصیف شده که اگر مجاهدت‌های او در محور مقاومت به فرماندهی قهرمان منطقه‌ای و بین‌المللی مبارزه با تروریسم یعنی شهید حاج قاسم سلیمانی نبود، چه بسا دولت‌های اروپایی، امروز تحت سیطره و پرچم داعش بودند و سران آن به بردگی گرفته می‌شدند. این بیانیه خاطر نشان کرده است: این قبیل تصمیمات بدعت‌آمیز و غیر موجه که بیشتر با هدف تحت تأثیر قرار دادن دستگاه محاسباتی جمهوری اسلامی ایران طراحی و به اجرا گذاشته شده است، نخواهد توانست تمرکز تصمیم گیران جمهوری اسلامی ایران را در پیگیری منافع ملی دچار اختلال کند.

بیانیه ارتش و وزارت دفاع

ارتش جمهوری اسلامی ایران هم با صدور بیانیه‌ای، اقدام پارلمان اروپا در پیشنهاد قرار دادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست به اصطلاح «سازمان‌های تروریستی» را محکوم کرد.

در این بیانیه آمده است: ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن محکومیت قاطع اقدام غیرقانونی پارلمان اروپا در پیشنهاد قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست خودساخته و بی اعتبار سازمان‌های تروریستی، اعلام می‌دارد که منسجم‌تر از گذشته، دست در دست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از امنیت و آرامش مردم ایران، نظام جمهوری اسلامی و ثبات منطقه حراست و صیانت می‌نماید.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح نیز با انتشار بیانیه‌ای، اقدام پارلمان اروپا در قرار دادن نام سپاه در فهرست آنچه را که «سازمان‌های تروریستی» نامیده است محکوم کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: آشکارترین دلیل مضحک بودن این اقدام آن است که با هدایت بزرگ‌ترین پدیدآورندگان و حمایت‌کنندگان جریان‌های تروریستی در جهان یعنی امریکای جنایتکار و صهیونیزم بین الملل شکل گرفته و ادامه‌ای بر خطاهای محاسباتی اروپا در حمایت از اغتشاشگران، براندازان و حتی منافقان روسیاهی است که روزگاری در فهرست تروریست‌های اروپا قرار داشتند.

خبر

بیانیه وزارت اطلاعات

اعدام اکبری خط بطلانی بر مصونیت کاذب جاسوسان انگلیسی بود

وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای به تبیین مجازات و ابعاد مختلف ضربه به سرویس اطلاعاتی انگلستان پرداخت. به گزارش تسنیم، در این بیانیه آمده است: در پی موفقیت سربازان گمنام امام زمان (عج) در شناسایی و دستگیری یکی از مهم‌ترین جواسیس و عناصر نفوذی رژیم انگلیس خبیث، و سپس محاکمه و اجرای حکم قانونی وی توسط دستگاه محترم قضایی کشور، شاهد واکنش عصبی و دیوانه‌وار دولت انگلیس بودیم. این واکنشِ مهارگسیخته و خارج از عرف دولتمردان انگلیسی، ناشی از دلایل روشنی است که بر صاحب‌نظران حوزه‌های سیاسی و امنیتی پوشیده نیست.

با این ضربه حیثیت و اعتبار مدعی قدیمی‌ترین سرویس جاسوسی نزد افکار عمومی و سازمان‌های اطلاعاتی جهان و برای سایر جواسیس آن دستگاه اطلاعاتی فرو ریخته و سبب بروز چالش‌های اساسی در انگیزه افسران اطلاعاتی و جواسیس آنان شده است. از سوی دیگر، ابهت دستگاه اطلاعاتی انگلیس و حاشیه امن جواسیس آن شکسته شد و افسران اطلاعاتی آن سازمان با این چالش مواجهند که از این پس، چگونه باید آبرو و اعتبار خود را نزد عوامل خویش، ترمیم نمایند؟

آیا انگلیس چنان که ادعا می‌کند صاحب امن‌ترین شبکه جواسیس است که هیچ وقت شناسایی و مجازات نخواهند شد؟ اطلاعات واصله از درون سرویس جاسوسی انگلیس نشان می‌دهد، این بحران ماهیت وجودی و کارکردی دستگاه اطلاعاتی انگلیس را زیر سؤال برده‌است. این پیروزی به قدری بی‌سابقه است که مایه حیرت آگاهان و صاحب‌نظران امور اطلاعاتی شده و در همین مدت کوتاه از رسانه‌ای شدن موضوع، درخواست‌های متعددی برای تشریح تجارب این پرونده از سوی برخی سرویس‌های اطلاعاتی دریافت شده است.

رژیم انگلیس خبیث که با فشار فزاینده افکار عمومی در مورد مشکلات داخلی خود مواجه است راهکارهایی را اتخاذ کرده است که جملگی ریشه در استیصال دارند؛ از جمله همراه‌سازی امریکا، فرانسه و آلمان در جنگ رسانه‌ای علیه ایران. اشک تمساح غربی‌ها برای اکبری در شرایطی است که نهادهای نظامی ایران همواره هدف تهاجم رسانه‌ای و اطلاعاتی کشورهای غربی بوده است. پس چگونه و با چه توجیهی به یکی از مقامات ارشد آن به راحتی و سرعت اقامت و تابعیت دادند؟

انگلیسی‌ها زمانی که اکبری را طی دو مرحله به جاسوسی کشاندند، برای فرارش از ایران نقشه کشیدند، بیش از دو میلیون یورو به او دستمزد پرداخت کردند، خانه‌های اشرافی در وین و لندن و جنوب اسپانیا برایش تهیه کردند و خارج از روال عادی به وی کارت اقامت، سپس تابعیت و گذرنامه انگلیسی دادند؛ خوب می‌دانستند که او را به سوی چه سرنوشتی سوق می‌دهند. آیا حضور یکی از مدیران SIS و یک نماینده پارلمان انگلیس در دادگاه لندن برای تسریع در اخذ تابعیت برای اکبری، ناشی از نوعدوستی انگلیسی‌ها و کمک به مهاجران بوده است؟ اجرای این حکم نتیجه مستقیم جنایت دستگاه اطلاعاتی انگلیس است.

رژیم انگلیس حریصانه از علیرضا اکبری اطلاعات مربوط به پروژه‌های سری نظامی و موشکی ایران، روش‌های دور زدن تحریم‌ها، اطلاعات مربوط به برخی نهادهای امنیتی، دفاعی و سیاسی کشور و دانشمندان بزرگی همچون شهید فخری‌زاده را درخواست می‌کردند و آن جاسوس وطن‌فروش، فارغ از میزان موفقیت، نهایت تلاش خود را برای ایفای آن نقش خائنانه به‌عمل می‌آورد.

خیانت علیرضا اکبری به کشورش محصول بازی کثیف رژیم انگلیس، بهره‌گیری از نقاط ضعفش، و کشاندن او به مسیر وطن‌فروشی بود و عملاً همان رژیم خبیث باید پاسخگوی انحراف، خیانت و مجازات جاسوس اکبری باشد، نه آنکه مزورانه لباس عزا به‌تن کند و بانگ خونخواهی وی را سر دهد.

وزارت اطلاعات با قاطعیت اعلام می‌نماید که از این پس، بازی با ابزارهای کثیفی چون ویزا و اقامت برای آلوده‌سازی و یا اعطای تابعیت برای رهاندن جواسیس از مجازات ثمری نخواهد داشت و اکنون خط بطلان دائمی بر مصونیت کاذبِ ایجاد شده از سوی سرویس اطلاعاتی انگلیس کشیده شده است.

انگلیسی‌های حیله‌گر که هنوز در توهم قرن نوزدهمی «تفرقه بینداز و حکومت کن» به‌سر می‌برند، القای خطوط شیطانی اختلاف‌افکنی بین دستگاه‌های مختلف و سلایق کشور را در پیش گرفتند. در همین راستا مجازات قانونی این عنصر خائن را به تعارض سلایق سیاسی و مقامات کشور منتسب و هر یک از مقامات و رسانه‌های انگلیسی، بخشی از این سناریو را اجرا کردند. از یک سو اتهاماتی را متوجه برخی دستگاه‌های دفاعی و امنیتی و مسئولان شناخته شده کشور کردند و در عین حال مزورانه خط کشی‌های جعلی «میانه‌رو- تندرو» را برجسته نمودند.

وزارت اطلاعات قاطعانه اعلام می‌کند که اگر مسئولان کشور و سلایق مختلف سیاسیِ وفادار به جمهوری اسلامی ایران، نسبت به برخی موضوعات داخلی نظرات متفاوتی داشته باشند (که کاملاً طبیعی است) اما نسبت به خباثت رژیم انگلیس و دشمنی‌هایش علیه این ملک و ملت، اتفاق نظر کامل دارند. رویکرد مقامات کشور، رسانه‌ها و جریانات سیاسی نسبت به مجازات جاسوس اکبری مؤید این مدعاست.

روشن است که این ضربه سخت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بر پیکره سرویس اطلاعات مخفی انگلیس (SIS) اولین اقدام ضداطلاعاتی ایران علیه انگلیس نیست و آخرین آن هم نخواهد بود، اما قطعاً نقطه عطفی در شناسایی و برخورد جدی با جاسوسی از ایران اسلامی توسط عناصر خبیث انگلیسی است که با قوت و جدیت بیش از پیش ادامه خواهد یافت. از همین رو به افرادی که به هر نحو در دام سرویس‌های جاسوسی افتاده‌اند توصیه می‌گردد با معرفی خود به وزارت اطلاعات از تخفیف در مجازات و رأفت اسلامی بهره‌مند گردند؛ در غیر این‌صورت از تعقیب و مجازات در امان نخواهند بود.

در پایان لازم است از همکاری مجدانه مسئولان محترم قوه قضائیه، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و به‌ویژه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که با همکاری خود در جریان تحقیقات، تعقیب و مجازات این جاسوس ارشد انگلیس نقش مؤثری ایفا کردند، قدردانی نماییم.

ویژه

من هم یک سپاهی هستم با افتخار

حجت‌الاسلام آل‌هاشم، امام جمعه تبریز از جمله کسانی بود که روز گذشته به تلاش اتحادیه اروپا برای گنجاندن نام سپاه در لیست گروه‌های تروریستی این اتحادیه واکنش نشان داد. واکنش او اما فراتر از سخنرانی بود و او با لباس پاسداری پشت تریبون نماز جمعه حاضر شد.

او در سخنانی گفت: امروز من هم با اجازه سردار فرماندهی سپاه عاشورا لباس سپاهی بر تن کردم. همان لباس افتخار و شجاعت و شرف. همگان بدانند دشمنان نمی‌توانند در مقابل سپاه بایستند.

آل هاشم که پیش‌تر مسئول عقیدتی سیاسی ارتش بود، ادامه داد: اقدام پارلمان اروپا در بعد تبلیغاتی شاید کارکرد داشته باشد و گرنه در میدان عمل هیچ نتیجه‌ای ندارد. جناب اروپا یادت رفته که در سال ۲۰۱۹ ترامپ سپاه را در لیست تروریستی قرار داده بود! مگر چه اتفاقی افتاد که شما می‌خواهید همان مسیر تنش را ادامه دهید؟

او افزود: البته کاملاً مشخص است که دشمنان می‌خواهند تلافی شکست‌های منطقه‌ای و آشوب اخیر را انجام دهند. سپاه رشد و اثرگذاری و بالندگی خود را با قدرت ادامه خواهد داد و همان‌طور که سابقه هم نشان داده این تحرکات اثری نخواهد داشت.

جای دانشجوی «عضو منافقین» در پارلمان اروپاست!

برخی حامیان یک دانشجوی سابق بازداشتی از انتشار تصویر او در هیبت زنان گروهک منافقین تعجب کرده‌اند، اما او پیش از این‌ها نشان داده بود که یک دانشجوی فتنه تروریستی رجویسم است!

اواخر دهه ۸۰ یکی از جنجال‌های رسانه‌ای اصلاح‌طلبان و نیز ضدانقلاب حول محور دستگیری یک دانشجو به نام «شبنم مددزاده» بود. او عضو دفتر تحکیم وحدت بود و در اعتراضات دانشگاه تربیت معلم که ابتدا صنفی بود و بعد سیاسی شد، نقشی محوری ایفا می‌کرد. آن تجمعات با پوششی جدی و البته فوری از سوی تلویزیون منافقین روبه‌رو شد. در حالی که تجمعات صنفی دیگر، چندان مورد توجه منافقین قرار نمی‌گرفت. توهین به مقدسات هم بخشی از محتوای این تجمعات بود. با دستگیری شبنم مددزاده، همفکران او در دانشگاه شروع به اعتراض و نیز تطهیر او کردند. رسانه‌های ضدانقلاب به حمایت برخاستند و با مانور روی هویت دانشجویی او، دستگیری او را بی دلیل دانستند. چندی بعد سخنگوی وقت قوه قضائیه در مورد دستگیری او توضیحاتی داد و علت آن را «ارتباط با سازمان منافقین» دانست، اما پیاده نظام مجازی براندازان و فعالان رسانه‌ای اصلاح‌طلب، آن را باور نکردند.

همان زمان در خبرها آمده بود که «نکته اوج اقدامات مددزاده در این دوره در بهمن ماه سال ۸۷ رخ داد؛ مددزاده در خوابگاه دختران اقدام به جمع‌آوری امضا از بین دانشجویان برای تغییر در وعده‌های غذایی دانشگاه کرده بود ولی در ادامه مشخص شد که با تغییر سربرگ نامه قصد داشته این نامه را با عنوان «طومار امضای درخواست دانشجویان تربیت معلم برای حذف نام منافقین از لیست گروه‌های تروریستی» برای بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد ارسال کند.»

نهایتاً او حدود شش سال در اوین ماند و همه این شش سال به عنوان یکی از بازیگران نقش اصلی خبرهای بند زنان اوین بود. خبرهای پیرامون او کلیدواژه‌های مختلفی داشت؛ دانشجوی معترض، جوان‌ترین زندانی سیاسی و دختر زندانی با اتهامات دروغین که می‌خواست مددزاده را دانشجویی بی گناه نشان دهد. همزمان با او برادرش هم دستگیر شد. مادر او در راستای عملیات رسانه‌ای برای تبرئه او، به دانشگاه تربیت معلم رفت و در حالی که اصرار بر عدم ارتباط دخترش با سازمان مجاهدین خلق داشت، به سبک منافقین تهدید به خودسوزی کرد.

یکی از دوستانش در گفت‌وگو با یک رسانه فارسی زبان غربی، درباره دستگیری او گفت: «تابستان گذشته هم که تعدادی از بچه‌ها را دستگیر کرده بودند، به چند نفری از آنان، اتهام همکاری با گروه‌های مخالف کرد (کومله، پژاک و...) زده بودند. اما چون خانم مددزاده کرد نیست و همین‌طور اخبار مربوط به سازمان مجاهدین خلق، الان در بورس است، بهترین وسیله‌ای است که می‌توانستند با آن خانم مددزاده را تهدید کنند، چه بسا اگر اسم گروه یا سازمان دیگری در این مقطع مطرح بود، حتماً ایشان را به همکاری با آنها متهم می‌کردند.» همان سال‌ها یکی از اعضای منافقین نوشت: «قبلاً دستگیری و اعدام‌ها در شهرهای مرزی ایران بود، اما الان توجه کنید دستگیری مددزاده در سیستان یا کردستان نبوده، بلکه در تهران است و این نشانگر این است که ما تا تهران نفوذ کردیم و در تهران نیز نیرو داریم!» برخی اصلاح‌طلبان نیز تمام قد از او دفاع، او را بی گناه دانسته و اتهام همکاری با منافقین را دروغ توصیف کردند.

او پس از آزادی، از کشور خارج شد و تا مدت‌ها خبری از او نبود تا آنکه سال ۹۵ در نشست دارودسته رجوی در پاریس دست در دست مریم رجوی روی سن دیده شد و به همین حضور هم اکتفا نکرد و به سخنرانی در این نشست پرداخت. حضور شبنم مددزاده در نشست منافقین، اثبات‌کننده اتهاماتی بود که دستگاه قضایی ایران به او وارد کرده بود. مددزاده همکاری عمیق و گسترده‌ای با تروریست‌های مجاهد خلق داشت. چهار تن از اعضای خانواده او هم عضو مجاهدین خلق هستند. با این حال، او اجازه تحصیل در دانشگاه تربیت معلم را یافت و در بدو ورود به دفتر تحکیم وحدت رفت و فعالیت‌های سیاسی‌اش را در پوشش فعالیت دانشجویی آغاز کرد. پوششی که همواره برای مظلوم‌نمایی جواب داده است! در روزهای اخیر شبنم مددزاده با یک سلفی از خود در بخش تماشاچیان ساختمان پارلمان اروپا، در روز تصمیم‌گیری برای تروریستی دانستن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبرساز شده است. او این عکس را در صفحه توئیترش منتشر کرده و پوشش و حجاب او به سبک همه زنان منافقین است. جالب آنکه برخی کاربران مجازی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب تازه متوجه شده‌اند برای حمایت از او چه کلاهی سرشان رفته است. آنهایی که می‌گفتند جای دانشجو در زندان نیست، نشان دادند جای دانشجو را در دانشگاه هم نمی‌دانند و از گروه منافقین تا هر جایی را که بشود کاری علیه جمهوری اسلامی کرد، حتی عملیات‌های تروریستی، شایسته حضور دانشجو می‌دانند!